



## آزادی در قانون اساسی افغانستان و تطبیق آن با اسلام و حقوق بشر

پدیدآورنده (ها) : فتحی، عصمت الله

فلسفه و کلام :: نشریه سفیر نور :: زمستان ۱۳۸۸ - شماره ۱۲

صفحات : از ۱۱۷ تا ۱۴۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/883273>

تاریخ داندود : ۱۴۰۳/۰۱/۱۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- مسئولیت مدنی نهادهای غیر دولتی در رویه قضایی دیوان عدالت اداری
- جایگاه حقوق تأمین اجتماعی در نظام حقوقی
- معرفی کتاب: اندیشه مدرنیته
- جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق
- تعهد بین المللی دولت ها در تضمین حق بر تأمین اجتماعی در اندیشه جان رالز
- پیدایش مفهوم تفکیک قوا در انقلاب مشروطیت ایران
- تحلیل جامعه شناختی گفتمان روشنفکری هویت اندیشی مدرن در آراء سید جواد طباطبایی
- اصل قانونی بودن مسئولیت مدنی دولت
- مطالعه تطبیقی نظم عمومی و خط مشی عمومی در نظام های حقوقی موضوعه و آنگلو ساکسون
- مطالعه ی تطبیقی خودکشی مساعدت شده ی پزشکی در حقوق ایران، انگلستان و آمریکا
- مؤلفه های جغرافیا پایه در قوانین اساسی جدید افغانستان و عراق
- ماهیت حق بر تأمین اجتماعی در اسلام

## عناوین مشابه

- تاملاتی در مبانی حقوقی اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تطبیق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر
- تاملاتی در مبانی حقوقی اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تطبیق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر
- حق آزادی عقیده و بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان
- نگرشی بر آزادی احزاب سیاسی و محدودیت های موجه بر آن از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی بر اسناد بین المللی حقوق بشر و قوانین اساسی برخی کشورها
- مبانی حقوقی اصل ۳۸ قانون اساسی ایران و تطبیق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر
- حقوق جهانی بشر در اسلام و مقایسه و تطبیق آن با حقوق بشر غرب از دیدگاه علامه جعفری
- قرار بازداشت موقت در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر و مقایسه آن با ضوابط ناظر بر این قرار در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲
- ضرورت تطبیق قسامه در قانون مجازات اسلامی با موازین حقوق بشری و تاثیر آن بر امنیت قضایی شهروندان
- سیر تطور تساهل سیاسی در قانون اساسی افغانستان و نقش آن در تأمین حقوق شیعیان
- مطالعه تطبیقی تکالیف شهروندی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان

## آزادی در قانون اساسی افغانستان و تطبیق آن

### با اسلام و حقوق بشر

عصمت ... فتحی\*

#### مقدمه

تدوین قانون اساسی افغانستان در زمان و موقعیت خاص و ویژه صورت گرفت. بعد از حمله نیروهای ناتو به این کشور و تسلط آنها بر شهرها و مراکز مهم دولتی، با همکاری نیروهای مخالف طالبان، یعنی مجاهدین سابق و نیروهای ملی - مردمی، دولت ائتلافی تشکیل شد. این دولت موقت که از اقوام مختلف و عمده افغانستان نماینده داشت، لوی جرگه (شورای بزرگ یا مجلس موسسان) را جهت تصویب قانون اساسی دایر نمود.

در این مجلس، گرچه اکثریت نمایندگان از نیروهای مسلمان و مجاهدین سابق تشکیل شده بود؛ اما از یک سو، ستم، تحجر و کشتاری که طالبان مرتکب می‌شدند، مردم را سخت در تنگنا قرار داده بود و آنان خواستار حقوق و آزادی‌های بیشتری در قانون اساسی جدید برای خودشان بودند. و از سوی دیگر، نیروهای خارجی که افغانستان را تحت کنترل خود در آورده و زمینه‌های تشکیل مجلس موسسان و تصویب قانون اساسی را از نتایج زحمات و تلاش‌های خود می‌دانستند، کوشش کردند تا ارزش‌ها و خواسته‌های آنان نیز در این قانون گنجانده شود. این سه عامل نقش عمده را در شکل‌گیری محتوای قانون اساسی ایفا نمود تا قانون مذکور در مواد متعدد از اسلام، حقوق بشر و قوانین بین‌المللی به طور همزمان حمایت کند.

\* دانش پژوه دوره‌ی کارشناسی رشته حقوق جامعه المصطفی ﷺ العالمیه - واحد مشهد مقدس.

ناگفته پیداست که اسلام، حقوق بشر را به صورت کامل به رسمیت می‌شناسد و برای آن ایده و راهکارهای مخصوص به خودش را دارد، اما آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این است که اسلام با اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های مصوب در سازمان ملل متحد به طور کامل موافق نبوده و از جهات متعدد، از جمله مبانی، نگرش، اهداف و برخی مواد آن مخالف است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق متعددی را برای انسان‌ها در خود گنجانده است؛ که حق آزادی در این میان، از بحث بر انگیزترین مسائل بوده و جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. آزادی از جهات گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. فلاسفه و حکیمان از بعد تکوینی و عالمان علوم اجتماعی از ابعاد سیاسی و اجتماعی به آن پرداخته‌اند. این نوشتار تلاش نموده است تا میزان تأثیر اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر را با رویکرد به مسئله آزادی در قانون اساسی مورد مطالعه قرار دهد.

## تعریف آزادی

آزادی در لغت به معنای رهایی، قدرت بر عمل و ترک آن، انتخاب، خلاف اسارت و بندگی و اجبار آمده است. علامه دهخدا در معنای واژه آزادی آورده است:

«آزادی: عتق، حریت، اختیار، خلاف بندگی و رقیت و عبودیت و اسارت و اجبار، قدرت عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب، رهایی و خلاص.»

تعریف از آزادی کاری بس مشکل است و شاید آن را بتوان با مفاهیمی چون وجود، علم و عدالت مقایسه نمود که از مقوله‌های بدیهی و بدون ابهام‌اند و هر کسی در ذهن خودش آن‌ها را به راحتی درک می‌کند و در مقام سخن از آن‌ها استفاده می‌نماید، اما از جهت ارائه تعریفی جامع، در نهایت سختی می‌باشد. آیزایا برلین در کتاب «چهار مقاله درباره آزادی» بیش از دویست تعریف از آزادی را گزارش می‌کند. شهید مطهری مسئله آزادی را از جمله مسائل پیچیده‌ای می‌شمارد که فلاسفه، روان‌شناسان، عالمان اخلاق و... از حل آن عاجز شده‌اند.

جان استوارت، میل آزادی را در رهایی از سلطه خارجی بر انسان می‌داند و معتقد است که این آزادی مطلق نبوده و مشروط به آسیب نرساندن به دیگران است.

«آزادی عبارت است از این که هر انسانی بتواند مصلحت خویش را به شیوه‌ای مورد نظر خود دنبال کند، مشروط به این که به مصالح دیگران آسیبی نرساند.»

حقوق دانان نیز چنین تعاریفی را از آزادی پذیرفته‌اند. و با توجه به نگاه حقوقی آنان به مسئله، در تعریف خود از آزادی، حق بودن آن را برای افراد نیز در نظر گرفته‌اند. «آزادی عبارت از حقی است که به موجب آن، افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را به کار اندازند مشروط بر آنکه آسیب و زیانی به دیگران وارد نسازند.»

## اقسام آزادی

آزادی‌های پذیرفته شده در کنوانسیون‌های حقوق بشر و حقوق داخلی افغانستان را ذیل چهار عنوان کلی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم:

سفیر

### ۱- آزادی‌های فردی

برای آزادی فردی تعریف‌های متعددی ارائه شده است. اما منظور ما از آزادی‌های فردی آن دسته از آزادی‌هایی است که افراد با توجه به طبیعت فردی و خلقت شخصی خود، بدون توجه به جامعه و دولت، از آن بهره می‌برند.

#### ۱-۱ آزادی از بازداشت غیرقانونی

انسان برای پیشرفت در زندگی خودش نیاز به آزادی در محدوده قانون دارد، به عبارت دیگر، انسان‌ها به جز مواردی که قانون، آنها را منع کرده است، آزاداند. این مسئله از قدیم مورد توجه بشر بوده است و اسلام نیز آن را مورد تأکید قرار داده است. «اصل برائت» و «اصل اباحه» در اسلام به عنوان یک قاعده کلی در تمام مواردی که اطمینان به مجرم بودن شخص وجود ندارد استفاده می‌شود، یعنی تمام مردم بی‌گناه‌اند و کسی حق بازداشت آنها را ندارد، مگر این که مقام صالح، طبق شرع یا قانون، وی را گناهکار تشخیص دهد. ماده سوم اعلامیه حقوق بشر نیز می‌نویسد: «احدی نمی‌تواند خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید شود.»

به تبعیت از این اعلامیه، ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند یک مقرر داشته است: «هر کس حق آزادی و امنیت فردی دارد، هیچکس نباید تحت بازداشت یا دستگیری خودسرانه قرار گیرد. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در صورتی که قانون و مقررات آئین دادرسی حکم کند.»

قانون اساسی افغانستان در ماده ۲۷ می گوید: «هیچ شخص را نمی توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر برطبق قانون.»

## ۲-۱- آزادی زندگی خصوصی

به طور کلی، افراد، در زندگی خود از یک سلسله روابط عمومی، خصوصی و شغلی بهره‌مندند که دانستن آن نوعاً از کسی پوشیده نبوده و بلااشکال است. اما هر کس برای خود مسائل سری و خصوصی دارد و به هیچ وجه راضی نمی‌شود که دیگران از آن با خبر شوند. عدم افشای چنین مسائلی در اجتماع، حقی را برای افراد پدید می‌آورد که دیگران مکلف به رعایت آن می‌گردند.

هر انسانی حق دارد که حریم خصوصی وی از جانب دولت و دیگران مورد احترام قرار بگیرد و هرگونه دخالتی که باعث برهم خوردن امنیت زندگی خصوصی افراد شود، می‌بایست مورد حمایت قانون واقع شود.

ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه و مکاتبات افراد را مورد حمایت قرار داده است.

ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌نویسد:

«۱- هیچکس نباید در زندگی خصوصی، خانوادگی، خانه و یا مکاتبات، مورد دخالت خودسرانه (بدون مجوز قانونی) یا خلاف قانون قرار گیرد. همچنین نباید شرافت و حیثیت او مورد تعرض غیر قانونی واقع گردد.»

۲- هر کس حق دارد که در مقابل این تعرضات و دخالت‌ها از حمایت قانون برخوردار شود.»

قانون اساسی افغانستان در مورد زندگی خصوصی، مقرره‌ای را صراحتاً ذکر نکرده است، اما آزادی و محرمانگی مکاتبات و مخابرات افراد را که از مصادیق بارز و مهم حریم خصوصی افراد است مورد حمایت قرار داده است.

ماده ۳۷ این قانون، محرمانه بودن ارتباطات افراد را مصون از تعرض دانسته، تفتیش آنها را به وسیله اشخاص و دولت، بدون مجوز قانونی ممنوع کرده است.

«آزادی و محرمانگی مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تلفن، تلگراف و وسایل دیگر، از تعرض مصون است.»

دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد، مگر مطابق احکام

قانون.»

سفیر

سال سوم / شماره دوازدهم / زمستان ۸۸

۱۲۰

چنانکه ملاحظه می‌شود، قانونگذار برای اصل محرمیت ارتباطات افراد، استثنا را پذیرفته است تا در مواردی که احتمالاً امنیت و آسایش اجتماعی در معرض خطر قرار بگیرد بتواند حریم افرادی را که به آسایش عمومی آسیب وارد می‌سازند، مورد تفتیش قرار دهد.

## آزادی زندگی خصوصی در اسلام

اسلام، تجسس نسبت به حریم خصوصی افراد را نهی کرده و آن را حرام دانسته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا»<sup>۱</sup>  
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید چون بعضی از گمان‌ها گناه است. و تجسس نکنید.

پیامبر بزرگوار اسلام در مورد کسانی که از زندگی خصوصی افراد تجسس می‌کنند می‌فرماید: «شر الناس الظانون، وشر الظانين المتجسسون، وشر المتجسسین القوالون، وشر القوالین الهتاکون»<sup>۲</sup> بدترین مردم بدگمان‌هايند، و بدترین بدگمان‌ها تجسس‌کنندگان، و بدترین تجسس‌کنندگان سخن‌چینان، و بدترین سخن‌چینان افشاکنندگان‌اند.

## ۳-۱- آزادی و مصونیت مسکن

مسکن محل سکونت و آرامش مردم است، وهر انسانی حق دارد که در آن با امنیت کامل و خاطری آسوده زندگی و استراحت کند. هیچ‌کسی حق ندارد این آرامش را مورد تعدی و تجاوز قرار دهد. از مهمترین مصادیق تعرض به مسکن افراد، ورود دیگران بدون اجازه صاحب خانه است.

قانون اساسی افغانستان در ماده سی و هشتم به این حق چنین تصریح کرده است:  
«مسکن شخص از تعرض مصون است. هیچ شخص، به شمول دولت، نمی‌تواند بدون اجازه ساکن یا قرار محکمه باصلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده است، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید.»  
تنها موردی را که قانون اساسی از این اصل استثنا کرده است در مورد جرم مشهود است: «در مورد جرم مشهود، مامور مسئول می‌تواند بدون اجازه قبلی محکمه، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مامور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش، در خلال مدتی که قانون تعیین می‌کند قرار محکمه را حاصل نماید.»

اعلامیه حقوق بشر مصونیت مسکن را به صراحت و در ماده مستقلی ذکر نکرده است، گرچه در ماده دوازدهم این اعلامیه مداخله خودسرانه نسبت به اقامتگاه افراد ممنوع اعلام شده است.

از مسائل دیگری که در مورد مسکن می‌توان مطرح کرد، حق انتخاب محل مسکونی است؛ هر کسی حق دارد محل مسکونی خویش را، خود انتخاب کند و در این مورد، هیچ گونه تحمیلی بر فرد از سوی دیگران و مخصوصاً دولت‌ها، جائز نیست. مگر در مواردی که قانون آن را منع کرده باشد.

به علاوه موارد فوق، افراد آزاداند که از مسکن خود، به هر نحوی که مایل باشند، استفاده کنند. مشروط به آن که استفاده آنان، خلاف قانون نبوده، موجب اذیت و آزار دیگران نشود.

دین مقدس اسلام، مسکن افراد را محل استراحت و آسایش افراد دانسته و مبنای این آرامش را از جانب خداوند متعال می‌شمارد: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا»<sup>۳</sup>. امنیت و مصونیت مسکن افراد در این دین مورد تأکید بیشتری قرار گرفته و به آن احترام گذاشته شده است. به همین دلیل قرآن مجید ورود به منازل، بدون اجازه صاحب خانه را منع کرده است.

#### ۴-۱- آزادی اقامت و رفت و آمد

یکی از حقوق و آزادی‌های فردی انسان، انتخاب محل اقامت و عبور و مرور آزاد در داخل کشور و هم چنین خروج و مراجعت به آن است تا بتواند مناسب ترین مکان را برای بهره‌مندی از موهبت‌های زندگی برای خود برگزیند.

هر انسانی ممکن است بر اساس میل و رغبت خود یا طبق مشکلات و رفتاری‌هایی که برای او به وجود می‌آید از جایی به جایی دیگر مسافرت و یا تغییر اقامت دهد. این مسئله برای تمام افراد بشر امری است طبیعی و حقی است فطری.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۳ این حق را مورد تأکید قرار داده و ماده ۱۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند یک به صورت مفصل تر مطرح نموده است: «۱- هر کس به طور قانونی باید در قلمرو کشور، حق رفت و آمد آزاد و انتخاب آزادانه محل اقامت خود را داشته باشد.

۲- هر کس باید برای ترک هر کشوری که شامل کشور خود (نیز) است، آزاد باشد.



۳- حقوق یاد شده نباید مشمول هیچ محدودیتی گردد، مگر آنکه آن (محدودیت‌ها) برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت و اخلاق عمومی یا (رعایت) حقوق و آزادی‌های دیگران، ضروری بوده و به وسیله قانون مقرر گشته و با دیگر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد.

۴- هیچ کس نباید از حق ورود به کشور خود، خودسرانه (بدون مجوز) محروم گردد. «قانون اساسی افغانستان در ماده ۳۹ این حق را برای اتباع خود پذیرفته است: «هر افغان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید و مسکن اختیار کند، مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است. هر افغان حق دارد مطابق احکام قانون به خارج افغانستان سفر نماید و به آن عودت کند.»

این اصل در هیچ کشوری به صورت مطلق قابل اجرا نبوده بلکه استثنائاتی از قبیل نظم عمومی و امنیت داخلی آن را محدود می‌کند. مثلاً دولت‌ها برای ایجاد نظم عمومی و حفظ جان شهروندان، مقررات علائم راهنمایی و رانندگی را وضع و آنها را مکلف به رعایت آن می‌نمایند.

از سوی دیگر، هیچ کسی حق ندارد از جاهایی مثل مناطق نظامی عبور کند، یا در شهرهایی که دولت برای افراد خاصی، به جهت مصالحی، ممنوع قرار داده است، وارد شود.

## آزادی اقامت و رفت و آمد در اسلام

بر اساس قاعده «اصاله الاباحه» و «اصاله الحلیه» اصل در هر چیزی که خلاف آن ثابت نشده است، جواز و مباح بودن آن است.

از آنجایی که اسلام مرزهای جغرافیایی به شکل امروزی را به رسمیت نمی‌شناسد، انسان‌ها را از عبور و مرور و اقامت در هیچ شهری منع نکرده است، بلکه این آزادی‌ها را مفروغ‌عنه دانسته و بشر را به سیر و سیاحت ترغیب و تشویق نموده است؛ به عنوان مثال آیات «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ» و «سِيرُوا فِي الْأَرْضِ» که در قرآن کریم چندین مورد تکرار شده است، موید این مسئله است.

در سنت و سیره پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ و ائمه معصومین عليهم السلام نیز این آزادی‌ها مسلم فرض شده است. از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل گردیده است که فرمودند:

«البلاد بلاد الله والعباد عباد الله فحيثما أصبت خيراً فأقم.» «شهرها شهرهای خدا و

بندگان، بندگان خدایند، پس هر جا که به خیر و خوشبختی رسیدی همان جا اقامت کن.

در این حدیث آزادی افراد بشر برای اقامت گزیدن در هر شهری که بخواهند مورد توجه قرار گرفته و روشن است که به تبع آن عبور و مرور نیز آزاد خواهد بود.

## ۲- آزادی‌های فکری

یکی از صفات روشن و عالی بشری فکر و اندیشه است، که او را از سایر جانداران متمایز می‌سازد و به او حیات معنوی می‌بخشد. آزادی فکرو اندیشه به انسان این اجازه را می‌دهد که بتواند زمینه‌های پیشرفت خود را، خود انتخاب و در نتیجه مسوول رشد و عقب ماندگی خودش باشد. گرچه می‌توان بین آزادی اندیشه، فکر و عقیده تفاوت‌هایی را ذکر کرد، ولی در استفاده و استدلال از متون قانونی حقوق‌دانان از هر کدام به جای دیگری نیز استدلال می‌کنند.

در ذیل این عنوان می‌توان از سه مطلب سخن گفت:

۱- آزادی عقیده و مذهب ۲- آزادی بیان ۳- آزادی رسانه‌ها

### ۱- ۲- آزادی عقیده و مذهب

در تعریف آزادی عقیده گفته شده است: «آزادی عقیده عبارت از این است که افراد بتوانند، به انتخاب خود، در هر زمینه‌ای اشتغال ذهنی داشته باشند، خواه این اشتغال امری باطنی و درونی و خواه به صورت موضع‌گیری عمومی باشد، یعنی هر کس بتواند، به دور از هر تحمیل و فشاری بیندیشد و بدون ترس، باور خود را بیان نماید.»

این تعریف از آزادی عقیده اولاً شامل تمام عقائد حتی از نوع غیر دینی آن می‌شود و ثانیاً آزادی عقیده و مخصوصاً بیان آن را به صورت مطلق پذیرفته است، در حالی که اکثر کسانی که آزادی اندیشه و عقائد را پذیرفته‌اند، آن را به طور مطلق جائز ندانسته، بلکه آزادی عقیده را تا جایی قابل قبول می‌دانند که به نظم عمومی، عقائد دیگران و امنیت روانی جامعه آسیبی وارد نسازد.

امروزه، آزادی عقیده، شامل آزادی بیان عقیده و آزادی انجام مراسم مذهبی نیز می‌شود، زیرا صرف داشتن عقیده‌ای خاص بدون بیان و ابراز آن از اموری است که کشف کردن و به دست آوردن آن کاری دشوار است. در گذشته برای پیدا کردن پیروان عقائد مخالف و تحت فشار قرار دادن آنان و تحمیل عقائد خود بر آنها از تفتیش عقائد استفاده می‌شد؛ به همین دلیل برخی از قوانین اساسی، تفتیش عقاید را نیز ممنوع دانسته‌اند.

## آزادی عقیده در اسناد و نظام بین المللی

جهان غرب بعد از جنگ‌های طولانی مدت به این نتیجه رسید که تحمیل عقائد و افکار خود بر دیگران سبب درگیری‌هایی بین افراد گردیده و باعث می‌شود که نه تنها آنان عقائد مخالف را نپذیرند بلکه در مقابل آن جبهه گرفته و ممکن است در نهایت منجر به نزاع و جنگ‌های خونینی بین آنان شود. به همین دلیل در مجامع روشنفکری غرب، این مسئله به طور جدی پی‌گیری شد که نتیجه آن اعلامیه‌ها و کنواسیون‌های متعددی، هم از طرف کشورهای مهم آن روز دنیا و هم از طرف مجامع بین‌المللی در ارتباط با حقوق و آزادی‌های دینی و مذهبی تصویب شد.

در اسناد و حقوق بین‌الملل، آزادی عقیده جایگاه بسیار بالایی را به خود اختصاص داده است؛ ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و نیز متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و همچنین شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می‌تواند از این حقوق منفرداً یا اجتماعاً و به طور خصوصی یا عمومی برخوردار شود.»

ماده مذکور، آزادی عقیده و مذهب را شامل چهار مورد دانسته است: ۱- آزادی تغییر مذهب یا عقیده ۲- آزادی اظهار عقیده و ایمان ۳- آزادی تعلیمات مذهبی ۴- آزادی اجرای مراسم دینی و مذهبی.

آنچه مورد بررسی قرار گرفت آزادی عقیده در منابع حقوقی بود؛ اما باید توجه داشت که آزادی دین و عقیده در نظام‌های سیاسی مختلف، وابسته به مسلک و مرام رایج و حاکم بر یک جامعه، شیوه و روش زمامداران و نقش و جایگاه مردم در آن جامعه است. دولت‌های مکتبی و مذهبی، آزادی عقیده را تا محدوده‌ای که به مذهب رایج آسیبی وارد نکند می‌پذیرند. دولت‌های استبدادی، با وجود این که ممکن است از مسلک و مذهب خاصی نیز حمایت نکنند، برای جلوگیری از مخالفت رقبای سیاسی و بقای حاکمیت خود، آزادی عقیده را در نهایت محدودیت قرار داده و حتی ممکن است آن را ممنوع نمایند. دولت‌های به اصطلاح آزاد سعی بر آن دارند تا می‌توانند در آزادی عقیده بی‌طرف بمانند، گرچه این مسئله در حد یک شعار باشد؛ یا اگر متمایل به گرایش خاص عقیدتی باشند، با عقائد دیگران با تساهل و بردباری برخورد کنند.

صغیر

آزادی در قانون اساسی افغانستان و تطبیق آن...

۱۲۵

## آزادی عقیده در اسلام

واژه عقیده در قرآن نیامده و در متون روایی نیز از واژگان پرکاربرد به حساب نمی‌آید. قرآن مسئله عقیده را تحت عنوان دین مطرح کرده است زیرا مهمترین عنصر در مقوله باور و عقیده، عنصر دین است. تعدد عقاید در جامعه بشری واقعیتی است که اسلام آن را پذیرفته و هرگز انکار نکرده است. به همین جهت در جای، جای قرآن مجید از ادیان و عقائد مختلف، توحیدی و غیر توحیدی، اسمی به میان آمده است. قرآن از ادیان آسمانی به نیکی نام برده و آنان را به گفتگو و مصالحه بر محور توحید دعوت نموده است. این دین به پیروان خودش دستور می‌دهد که بر خوردتان را با دیگران و مخصوصاً اهل کتاب با نیکوترین وجه انجام دهید، و به عقائد و باورهای غیر مسلمانان، حتی غیر اهل کتاب توهین نکنید تا آنان نیز به عقائد شما توهین نکنند.

سفیر

آزادی عقیده و دین در دیدگاه اسلام را می‌توان از سه منظر مورد بحث قرار داد:  
۱- آزادی در انتخاب و گزینش ابتدایی دین و عقیده ۲- آزادی در تغییر و تبدیل دین ۳- آزادی در انجام مراسم مذهبی.

سال سوم / شماره دوازدهم / زمستان ۸۸

### ۱- آزادی در انتخاب و گزینش ابتدایی دین و عقیده

در قرآن آیاتی وجود دارد که از ظواهر آن می‌توان آزادی در گزینش دین را برداشت نمود. مهمترین آیه که همواره در چنین مباحثی به آن استدلال می‌شود آیه ۲۵۶ سوره بقره است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»

محتوای آیه مذکور، اعم از این که بیانگر یک واقعیت بیرونی باشد به این معنا که دین با توجه به ماهیت خودش اکراه پذیر نیست، و یا یک حکم تشریحی باشد مبنی بر این که در پذیرش دین نباید اکراه وجود داشته باشد، هر دو تفسیر از آیه این حقیقت را می‌نمایاند که انسان در انتخاب عقیده آزاد است.

۱۲۶

در واقع عقاید قلبی و اعتقادات دینی به این جهت که از طریق عقل و وجدان به وجود می‌آید، قابل اکراه و اجبار نیست، می‌توان افرادی را وادار نمود که عقاید خاصی را اظهار و بیان نمایند اما از این اظهار نمی‌توان کشف کرد که وی به گفته‌های خودش باور هم دارد. از همین رو خداوند وظیفه‌ی پیامبران خودش را صرفاً تبلیغ، انذار و تبشیر قرار داده و صفت ویژه و بارز آنان را رسول، پیام آور و خیرخواه بر شمرده است. پیامبران به هیچ وجه وظیفه نداشته‌اند که مردم را وادار به پذیرش باورهای خود کنند. بلکه، خداوند پیامبر را از این که با

اکراه و اجبار مردم را به سمت دین بکشاند بر حذر می‌دارد: «أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» وایشان را حافظ، نگهبان، وکیل و مسلط بر دین و ایمان مردم نمی‌داند. سیره عملی پیامبر اکرم ﷺ وائمه معصومین عليهم السلام نیز این مسئله را تأیید می‌کند که آنان هیچ فرد و یا گروهی را به زور و اکراه وادار به پذیرش اسلام نکرده‌اند؛ بعد از فتح مکه مشرکان این شهر که سال‌ها مسلمانان را اذیت و آزار نموده بودند، آزاد گذاشته شدند. پیروزی مسلمانان در اوج قدرت آنان و ضعف مشرکان قریش صورت گرفت و این بهترین فرصت برای مسلمانان بود تا اهالی مکه را با جبر و اکراه وادار به اسلام کنند؛ اما چنین اتفاقی به هیچ وجه صورت نگرفت و تاریخ گزارشی را مبنی بر این مطلب نقل نکرده است.

صغیر

## ۲- آزادی در تغییر و تبدیل دین

اسلام، آزادی تبدیل دین و عقیده را به صورت مطلق نپذیرفته است. و به انسان در انتخاب مجدد دین حق آزادی مطلق نداده بلکه وی در انتخاب دوباره دین خود محدود به پیروی از دین حق است. اسلام بر خلاف حقوق بشر معاصر، آزادی را هدف برای انسان نمی‌داند بلکه آزادی وسیله‌ای است برای رسیدن به حق و حقیقت. به همین دلیل، انسان حق ندارد بدون تحقیق و بررسی و صرفاً به این جهت که آزاد است، آیین خود را ترک نموده و به دین دیگری بگراید.

بخشی را که فقیهان مسلمان تحت عنوان ارتداد مطرح کرده‌اند به همین مطلب می‌پردازد. فقها تعریف‌های متعددی از ارتداد ارائه نموده‌اند که از مجموع آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت که ارتداد به یکی از صورت‌های زیرتحقق می‌یابد: ۱- کافر شدن مسلمان ۲- توهین به مقدسات ۳- انکار ضرورت‌های دین.

گرچه عالمان دینی در قلمرو توهین به مقدسات و ضروریات دین، اختلاف نظر دارند اما در اصل این مطلب که مجازات این افراد مرگ است، اتفاق نظر وجود دارد.

مجازات مرتد نه تنها در دین و حقوق اسلامی، بلکه در ادیان دیگر و حقوق «کامن لا» مورد توجه بوده است. در نظام حقوقی مذکور که کشورهای مثل انگلستان و آمریکا از آن متأثراند، توهین به مقدسات با عنوان «Blasphemy» جرم شناخته شده است. گرچه امروزه این عنوان فقط شامل توهین به مقدسات مسیحیت می‌شود ولی حقوق‌دانان غربی معتقداند که این جرم، در گذشته شامل کافر شدن به دین مسیحیت نیز می‌شده است.

### ۳- آزادی در انجام مراسم دینی و مذهبی

غیر مسلمانان از دیدگاه اسلام به دو گروه اهل کتاب و غیر اهل کتاب تقسیم می‌شوند، آنچه از آزادی برای غیر مسلمانان مطرح است، برای گروه اول نقل شده است. حکومت اسلامی در انجام مراسم دینی و مذهبی برای اهل کتاب آزادی را در محدوده‌ای که به فرهنگ و عقائد مسلمین خدشه وارد نکند، پذیرفته است. به عنوان مثال، آنان می‌توانند در خانه‌ها یا معابد خود شراب یا گوشت خوک بخورند، ولی حق ندارند در جمع مسلمانان و به صورت علنی مرتکب این عمل شوند، دلیل آن این است که از سویی، این عمل نوعی اهانت به عقائد مسلمانان بوده باعث جریحه دار شدن احساسات آنان می‌گردد، و از سوی دیگر، زمینه را برای ارتکاب اعمال خلاف عرف و قانون مسلمانان فراهم می‌آورد.

مبنای این مسئله، سیره پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام است. پیامبر اکرم ﷺ در مدینه با یهودیان آن منطقه پیمانی را منعقد نمودند که می‌توان از آن، آزادی آنها در اجرای مراسم دینی‌شان را استنباط نمود. در این معاهده آمده است: «للیهود دینهم وللمسلمین دینهم». یهودیان بر دین خود و مسلمانان بر دین خود باشند.

### آزادی عقیده در قانون اساسی

قانون اساسی افغانستان، آزادی اندیشه، فکر و عقیده را در ماده مستقلی به صراحت ذکر نکرده است. همانطور که ذکر شد، صرف داشتن یک عقیده، بدون بیان آن، چون از امور وجدانی و درونی انسان است، قابلیت تشخیص و شناسایی ندارد تا بتوان آزادی را به آن نسبت داد. شاید به همین جهت قانون اساسی، آزادی فکر را در ضمن آزادی بیان مطرح کرده است. در ماده ۳۴ این قانون آمده: «هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.»

آزادی عقیده، چه از نظر نفس داشتن یک عقیده و مذهب و چه از نظر آزادی انجام مراسم دینی و مذهبی و چه از جهت فراگیری تعلیمات آن، مورد توجه قانون اساسی قرار گرفته است.

از آنجا که اکثریت مردم افغانستان را مسلمانان تشکیل می‌دهند، قانون اساسی، دین دولت را دین اسلام دانسته ( ماده ۲) و قوانین مخالف معتقدات و احکام دین اسلام را نپذیرفته است ( ماده ۳). این قانون دو مذهب مهم اسلامی (حنفی و جعفری) را به رسمیت شناخته است (مواد ۱۳۰ و ۱۳۱) که در صورت نبودن قانون و یا نقص قوانین دادگاه‌های کشور برای

سفیر

سال سوم / شماره دوازدهم / زمستان ۸۸

۱۲۸

هریک از پیروان این مذاهب مطابق فقه آنان حکم دهد. این قانون دولت را مکلف نموده تا دروس معارف دینی کشور را برای دانش آموزان بر مبنای این دو مذهب تدوین نماید. (ماده ۴۵)

اما مذاهب وادیان دیگر موجود در افغانستان در پیروی از دین خود و اجرای مراسم دینی‌شان در محدوده‌ای که قانون معین می‌کند آزاد خواهند بود. ماده دوم قانون اساسی در این خصوص مقرر داشته است: «پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی‌شان در حدود احکام قانون آزاد می‌باشند.»

## ۲-۲- آزادی بیان

حق بیان و دسترسی به اطلاعات را نمی‌توان از حق اندیشه و عقیده منفک نمود. انسان با ظرفیت‌های فکری و زبانی خویش از سایر جانداران متمایز است، در واقع اگر به کسی حق تفکر و داشتن عقیده داده شود اما امکان ارتباط با دیگران یا مبادله دیدگاه‌ها، از وی سلب گردد، در عمل، آزادی اندیشه و عقیده او محدود شده است. شاید به همین جهت اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزادی عقیده و بیان را در یک ماده و در کنار هم متذکر شده است: «هر فردی حق آزادی اندیشه و بیان دارد و این حق، مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار، به تمام وسایل ممکن، و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.»

اولاً در ماده مذکور آزادی بیان با آوردن قید «به تمام وسایل ممکن» اعم از بیان گفتاری، نوشتاری، تصویری، هنری و... در نظر گرفته شده است.

ثانیاً ماده فوق حق آزادی فکر و بیان را مستلزم موارد زیر می‌داند: ۱- عدم ترس و نگرانی از داشتن عقیده ۲- کسب و دریافت اطلاعات و افکار دیگران با هر وسیله‌ای ۳- پخش و انتشار اطلاعات و افکار خود و دیگران با هر وسیله‌ای.

مورد اول مربوط به آزادی عقیده و فکر است؛ و بهتر بود در ماده ۱۸ این اعلامیه که مربوط به این مسئله است، ذکر می‌گردید. اما مورد دوم و سوم در این اعلامیه یعنی آزادی کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار، به صورت مطلق مقرر گردیده است.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده نوزدهم، این حق را از حالت اطلاق خارج نموده و با دو قید به دولت‌ها اجازه داده است تا محدودیت‌های مورد نظر خودشان را اعمال کنند:

الف) برای احترام حقوق یا حیثیت دیگران.

ب) حفظ امنیت ملی یا نظم و سلامت و اخلاق عمومی.  
 قانون اساسی در ماده سی و چهارم، آزادی بیان را از هر نوع تعرضی مصون دانسته و این حق را به اتباع خود داده است که فکر خود را به هر وسیله ای ابراز و اظهار نمایند:  
 «آزادی بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.»

## آزادی بیان در اسلام

آزادی بیان برای مسلمانان، گرچه در طول تاریخ اسلام با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بوده است اما متون دینی و سیره معصومین علیهم‌السلام آن را در محدوده‌ای که منجر به توهین، افترا و تفرقه نشود، پذیرفته است.  
 ولی آنچه در این نوشتار مهم است آزادی بیان برای غیر مسلمانان در جامعه و حکومت اسلامی است.

در راستای حفظ آزادی بیان برای غیر مسلمانان، در نصوص دینی، وظایف و دستورهای مهمی به مسلمانان در برخورد با اندیشه‌های مخالف داده شده که تمامی آنها نشأت گرفته از پابندی اسلام به دادن این حق به غیر مسلمانان است. از جمله می توان به جدال احسن، پیروی از نیکوترین سخن و طلبیدن برهان و استدلال از دیگران اشاره کرد.  
 بدون شک، گفتگو، مناظره، پیروی از بهترین سخنان و درخواست ارائه دلیل و برهان در صورتی ارزشمند و با معناست که دین اسلام، به طرف مقابل فرصت ابراز عقیده و نظر مخالف را داده و او را در ارائه نظر و اندیشه خویش آزاد گذاشته باشد و گرنه در صورت نبود میدان برای بیان و اظهار عقیده مخالفان، دستور به این امور، بی معنا خواهد بود.

سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خلفا و جانشینان بر حق او، در گفتگو با صاحبان عقاید و آرای باطل را می‌توان گواه بر این مطلب دانست. با نگاهی گذرا به تاریخ اسلام در می‌یابیم که علمای ملت‌های مختلف از یهود، نصاری، دهری، مشرک و ... به مدینه، مرکز حاکمیت اسلام، می‌آمدند و در کمال آزادی به اظهار عقاید خویش می‌پرداختند. ساعت‌ها با پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مناظره و گفتگوی عقیدتی داشتند و آن حضرت، با سعه صدر، به سخنان آنان گوش می‌داد و با استفاده از باورهای خود آنان، به اقامه دلیل بر حقانیت اسلام و رسالت خویش می‌پرداختند.  
 به عنوان نمونه؛ از علی رضی‌الله‌تعالی‌عنه نقل شده است که فرمودند: روزی علمای یهود، نصاری، دهریه، زرتشتیان، و مشرکان عرب نزد پیامبر جمع شدند؛ یهودیان گفتند ای محمد؛ ما



معتقدیم عزیر پسر خداست، آمده‌ایم تا ببینیم تو چه می‌گویی. اگر از ما پیروی نمایی، ما در راه صواب از تو پیشی گرفته ایم و بهتریم، و اگر مخالفت نمایی با تو مخاصمه می‌نماییم. به عنوان نمونه روزی علی عَلَيْهِ السَّلَام، در مسجد به ایراد سخن پرداختند و عده‌ای از مسلمانان و غیر مسلمانان به سخنان وی گوش می‌دادند، آن حضرت فرمود:

«سلونی قبل ان تفقدونی...»<sup>۴</sup> پیش از آن که از میان شما بروم هر چه می‌خواهید از من سوال کنید، تا به شما پاسخ بگویم.

مردی از یهودیان با کمال آزادی گفت:

«ایها المدعی لما لایعلم و المتقدم لما لایفهم انا اسالک فاجب»<sup>۵</sup>

ای کسی که ادعا می‌کنی چیزی را که نمی‌دانی و پیش داوری می‌کنی آنچه را که نمی‌فهمی، اینک سوال می‌کنم، جوابم ده.

اصحاب امام خشمگین شدند و می‌خواستند که به آن مرد یورش برند، حضرت آنان را از این کار منع کرد و فرمودند: او را آزاد بگذارید...

### ۳-۲- آزادی مطبوعات (رسانه‌ها)

یکی از حقوقی که از زیر شاخه‌های آزادی عقیده و بیان به حساب می‌آید، آزادی مطبوعات یا به تعبیر دقیق‌تر، آزادی رسانه هاست. همانطوری که داشتن آزادی عقیده بدون آزادی بیان آن، محدود کردن آن آزادی خواهد بود، مجاز ندانستن پخش و انتشار اندیشه و فکر نیز مقید نمودن آزادی بیان در محدوده زمانی و مکانی خاصی است. مطبوعات، امروزه به دلایل متعدد و کارکردهای متنوع در جوامع بشری مورد توجه قرار گرفته‌اند.

اسناد مهم بین‌المللی، آزادی رسانه‌ها را در ماده مستقلی تصریح نکرده بلکه آن را در کنار آزادی بیان مطرح نموده‌اند؛ اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۹ و هم‌چنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند ۲ همین ماده به این مسئله توجه نموده است: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی کسب دانش، گرفتن و دادن اطلاعات و هر نوع عقایدی، بدون توجه به چگونگی ارائه آن (آرایش) به طور زبانی یا نوشتاری یا چاپی و در شکل هنری یا به هر وسیله دیگری که خود انتخاب می‌کند، می‌باشد.»

قانون اساسی نیز در ادامه ماده ۳۴ که به آزادی بیان پرداخته، آزادی مطبوعات را به رسمیت شناخته است: «هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارایه قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد.»

در تمامی دنیا بیان و رسانه به طور مطلق آزاد نبوده و باید در چارچوب فرهنگ، اعتقادات و آداب و رسوم مردم آن کشور باشد؛ به همین دلیل، قانون فوق الذکر در ماده ۳۳ انتشار برخی از مطالب را در رسانه‌های همگانی ممنوع قرار داده است: «نشر مطالب ذیر در رسانه همگانی جواز ندارد:

۱- مطالبی که مغایر با احکام دین مقدس اسلام و توهین به سایر ادیان و مذاهب باشد.

۲- مطالبی که موجب هتک حرمت و افترا به اشخاص گردد.

۳- تبلیغ خشونت، جنگ و سایر مواردی که مخالف احکام قانون اساسی بوده یا قانون جزا آن را جرم دانسته باشد.

۴- افشای هویت و تصاویر قربانیان خشونت و تجاوز، به نحوی که به حیثیت اجتماعی آنان صدمه وارد نماید.»



## آزادی رسانه‌ها در اسلام

اهمیت بیان و قلم در اسلام بر کسی پوشیده نیست. قرآن کریم، مبدأ آموزش را خداوند رحمان می‌داند که به انسان بیان را آموخت. و انسان را به وسیله قلم از آنچه که نمی‌دانست، تعلیم داد. حرمت قلم در اسلام به حدی است که خداوند در قرآن کریم به آن و آنچه که می‌نویسد سوگند یاد کرد.

مطبوعات و رسانه‌ها به شکل امروزی آن از جمله پدیده‌های نوینی هستند که در گذشته برای مردم ناشناخته بوده است. در عصر حاضر، رسانه‌ها می‌توانند در حوزه‌های مختلف فردی، اجتماعی و سیاسی به نفع مردم باشند؛ در حوزه حقوق فردی و صنفی آنها را از حقوق خود آگاه گرداند، در حقوق اجتماعی، نظم عمومی و اخلاق حسنه را گسترش دهد و در حقوق عمومی و سیاسی، اعمال و رفتار دولت و زمامداران را در معرض افکار و دید عموم مردم به نمایش بگذارد.

باتوجه به جایگاه رسانه‌ها در گسترش علم، اندیشه و حقوق مردم باید نظر اسلام را در این حوزه مثبت ارزیابی کرد. مطبوعات و رسانه‌ها می‌توانند در امور ذیر نقش مهمی را ایفا نمایند:

- افزایش معلومات و اطلاعات عمومی مردم.
- ایجاد برخورد اندیشه‌ها و ارتقای فکری جامعه.
- آگاهی عموم نسبت به مسائل و معضلات و بسیج جامعه برای رفع آنها.
- طرح و بررسی وضع جامعه و یافتن بهترین راه حل زندگی اجتماعی.
- اطلاع هیأت حاکمه از خواسته‌ها و تمایلات طبقات مختلف مردم.
- طرد و نفی خود محوری و خود کامگی و حاکمیت افکار سالم عمومی بر اعمال حکومتی.

شاید تنها نکته که اسلام برای جلوگیری از هرج و مرج رسانه‌ای و سوء استفاده افراد و گروه‌ها به مردم خاطر نشان می‌سازد، توجه و دقت به منبع و محل انتشار رسانه است. مردم باید در گرفتن اطلاعات و معلومات خود به منبع موثق و قابل اعتماد تکیه نموده تا در دام انسان‌ها و گروه‌های منحرف نیفتند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر فاسقی برای شما خبر آورد، بررسی کنید، مبادا به نادانی به گروهی آسیب برسانید، و بعد از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید.

### ۳- آزادی گروه‌ها

انسان‌ها به طور طبیعی و براساس نیازهای ضروری که دارند در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. چنانچه افرادی به خاطر علائق و منافع مشترک خود از خرد جمعی بهره برده و هدف واحدی را، اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی عقیدتی، دنبال کنند، گروه‌ها پدیدار می‌گردند.

این گروه‌ها گاهی برای برآورده شدن اهداف موقت به صورت تجمعات، تظاهرات، سخنرانی‌ها و... دیده می‌شود و گاهی برای اهداف بلند مدت به شکل احزاب، انجمن‌ها، سندیکاها و... نمایان می‌شود.

## ۱-۳- آزادی تجمعات

گاهی ممکن است افراد برای اغراض و اهداف شخصی و خصوصی دور هم جمع شوند مانند مهمانی‌ها، عروسی‌ها و عزاها و... در این گونه تجمعات چون افراد در برابر قدرت عمومی قرار نمی‌گیرند، از هرگونه آزادی برخوردارند، و دولت‌ها سعی می‌کنند تا جایی که ممکن است از این گونه تجمعات حمایت نموده و حتی تسهیلاتی را در برخی از این امور برای مردم فراهم کنند؛ مگر این که چنین تجمعاتی، نظم عمومی، اخلاق حسنه و آزادی دیگران را در معرض تهدید قرار دهد.

منظور از آزادی تجمعات در قوانین، گونه خاصی از گرد همایی‌ها است که بر اساس آن افراد برای رسیدن به اهداف مشترکی که دارند، مطالبات و اعتراضات خود را در مقابل قدرت عمومی، مخصوصاً دولت‌ها، به شکل تظاهرات، راهپیمایی‌ها و اعتصاب‌ها در معابر و اماکن عمومی به صورت جمعی به نمایش می‌گذارند.

ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر به آزادی تشکیل اجتماعات، در کنار آزادی گروه‌ها و انجمن‌ها اشاره کرده است: «۱- هر شخصی حق دارد از آزادی تشکیل اجتماعات، مجامع و انجمن‌های مسالمت آمیز بهره‌مند گردد. ۲- هیچ کس را نباید به شرکت در هیچ اجتماعی مجبور کرد.»

ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی این حق را مورد تاکید قرار داده، اما آن را طبق مقررات قانونی کشورها محدود به رعایت امنیت ملی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و آزادی‌های دیگران نموده است.

قانون اساسی افغانستان نیز در ماده ۳۶ این نوع از آزادی را برای اتباع کشور خودش مورد توجه قرار داده و مقرر کرده است: «اتباع افغانستان حق دارند برای تامین مقاصد جایز و صلح آمیز، بدون حمل سلاح، طبق قانون، اجتماع و تظاهرات نمایند.»

قانونگذار اساسی برای آزادی تجمعات و تظاهرات سه شرط را در نظر گرفته است:  
الف) مقصد و غرض از تجمعات و تظاهرات جایز و صلح آمیز باشد.  
ب) بدون حمل سلاح باشد. (حمل سلاح به طور مطلق منع شده است که شامل سلاح گرم و سرد خواهد شد)

ج) برای برگزاری آن از مراجع ذی صلاح مجوز قانونی دریافت کرده باشند.  
در مورد آزادی تجمعات، این نکته را باید تذکر داد که در کشورهایی مثل افغانستان که تجربه زیادی از دموکراسی و آزادی‌های مدنی ندارند، ممکن است افرادی از این آزادی‌ها

سفیر

سال سوم / شماره دوازدهم / زمستان ۸۸

۱۳۴

سوء استفاده نموده و دیگران را با زور و اکراه برای مقاصد شخصی خودشان وادار به تظاهرات، تجمعات و اعتصابات نمایند.

بهتر بود که قانونگذار اساسی افغانستان به پیروی از اعلامیه جهانی حقوق بشر، بندی را در ممنوعیت این مسئله در قانون پیش بینی می‌کرد.

اسلام، آزادی تجمعات و تظاهرات را تا حدی که منجر به درگیری و جنگ نشود مجاز می‌داند. نمونه آشکار آن برخورد امیر المومنین علیه السلام در برابر خوارج نهروان است. این گروه با برداشت نادرست از اسلام و حکومت، در جنگ صفین مسیر خودشان را از حکومت اسلامی جدا کردند و به جهت برآورده شدن خواسته‌های نامشروع خود، در منطقه‌ای به اسم نهروان تجمع کردند. عده‌ای از آنان در کوفه و در حضور شخص امیر المومنین علیه السلام و مسلمانان به آن حضرت ناسزا می‌گفتند و آزادانه ابراز مخالفت می‌کردند و در سخنرانی ایشان اخلاص می‌نمودند، اما امام علی علیه السلام با آنان مدارا می‌کرد و می‌فرمود: ما شما را از ورود به مساجد مانع نمی‌شویم و حقوق‌تان را از بیت المال قطع نمی‌کنیم و تا شما آغازگر جنگ نباشید، جنگ با شما را نمی‌خواهیم.

## ۲-۳- آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی

در تعریف حزب گفته شده است: «حزب، مجموعه‌ای از شهروندانی است که به وسیله علایق و خواسته‌های جمعی یا منافع مشترک دور هم جمع شده‌اند و با دیگر گروه‌ها و منافع آنان تقابل دارند». موریس دوورژه معتقد است: «احزاب، جزیی از تشکیلات سیاسی هستند که هدف مستقیم آنها به چنگ آوردن قدرت یا شرکت در اعمال آن است. احزاب در پی آنند که در انتخابات، کرسی‌هایی به دست آورند، نمایندگان و وزرایی داشته باشند و حکومت را به دست گیرند.»

بنابراین تعریف فوق، حزب، ارگانی مدون و از ارکان جامعه سیاسی است. احزاب در درجه اول، نهادهای سیاسی هستند و بدیهی است که تمام ارگان‌های سیاسی به دنبال قدرت باشند. مسند و بستر قدرت نیز جامعه است؛ در جوامع انسانی، سه نیرو را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد؛ اگر اجتماع را شبیه هرمی در نظر بگیریم، قاعده و مبنای آن مردم و رأس آن را دولت به معنای عام تشکیل می‌دهد. در بین این دو و در میان هرم، نیرویی وجود دارد که می‌تواند بر رأس و قاعده تاثیر بگذارد و نیز از آنها متأثر شود، احزاب سیاسی در جامعه کنونی حلقه ارتباطی بین مردم و دولت را برعهده دارند که نظارت و نقد قدرت سیاسی از مهمترین

کارکردهای آن‌ها به شمار می‌آید. علاوه بر این، احزاب سعی دارند بر فرایند تصمیم‌سازی‌های کلان کشور تأثیرگذار بوده و تا حدی که امکان دارد، قدرت خود را افزایش داده و بالاترین جایگاه قدرت در جامعه را به دست آورند. به قول ربرت میخلر: «تمام احزاب، امروزه یک هدف پارلمانی را تعقیب می‌کنند و فعالیت آن‌ها در زمینه انتخاباتی در حال توسعه است و هدف نهایی آن‌ها عبارت است از فتح قدرت عمومی»

هرچند حزب گرایی مختص جوامع امروزی و برآمده از قوانین و تأسیس دولت‌های مدرن نیست و در گذشته نیز می‌توان مجتمع‌های انسانی را یافت که شباهت‌هایی با احزاب معاصر داشته‌اند اما تفاوت‌های عمده و کارکردهای مختلفی نسبت به احزاب امروزی را می‌توان در آن‌ها مشاهده نمود. داورژه معتقد است که احزاب سیاسی به معنای جدید کلمه بی‌شک محصول الزامات آیین‌های انتخاباتی و پارلمانی بوده‌اند.

آزادی احزاب در متون حقوقی بین‌المللی در کنار آزادی تشکیل اجتماعات، مجامع و انجمن‌ها و سندیکاها مورد توجه قرار گرفته است.

«اتباع افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصد مادی و یامعنوی، مطابق با احکام قانون، جمعیت‌ها تاسیس نمایند.

اتباع افغانستان حق دارند، مطابق با احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط بر این که:

مرامنامه و اساسنامه حزب، مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزش‌های مندرج این قانون اساسی نباشد، تشکیلات و منابع مالی حزب، علنی باشد، اهداف و تشکیلات نظامی و شبه نظامی نداشته باشد، وابسته به حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد. تاسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب فقهی جایز نیست.

جمعیت و حزبی که مطابق با احکام قانون تشکیل می‌شود، بدون موجبات قانونی و حکم محکمه با صلاحیت، منحل نمی‌شود.»

این ماده، فعالیت احزاب سیاسی را آزاد دانسته است. اما از آنجا که تمامی قوانین دنیا آزادی مطلق به احزاب را برای جلوگیری از هرج و مرج و نفوذ بیگانگان نداده‌اند، قانون اساسی افغانستان نیز شرائط و تمهیدات خوبی برای آن اندیشیده و محدودیت‌هایی منطقی برای تشکیل احزاب در نظر گرفته است:

۱- چون اکثر قریب به اتفاق مردم افغانستان از دین اسلام پیروی می‌کنند و سخت به این دین الهی معتقداند، به منظور احترام به فرهنگ عمومی مردم که برخاسته از دین آنهاست

و برای حراست از حاکمیت ملی مردم، قانونگذار مقرر داشته است که مرامنامه و اساسنامه حزب نباید مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزش‌های مندرج این قانون اساسی باشد.

۲- برای جلوگیری از نفوذ سیاسی و فرهنگی بیگانگان از طریق تزریق مالی و حفظ استقلال کشور و به جهت جلوگیری از سوء استفاده برخی افراد از احزاب سیاسی با تأمین مالی، تشکیلات و منابع مالی آن حزب باید علنی باشد.

۳- احزاب سیاسی، حق تشکیلات نظامی و شبه نظامی را نداشته و حق ندارند اهداف نظامی را نیز دنبال کنند. فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی، حاکمیت‌های ملی را دچار بحران و تزلزل نموده و حاکمیتی در درون حاکمیت محسوب می‌شوند؛ روشن است که هیچ دولتی نمی‌تواند حاکمیت دیگری غیر از خودش را در داخل یک سرزمین تحمل کند زیرا با قدرت گرفتن این گروه‌ها مقبولیت نظام در داخل مرزهای خود، و خارج از آن رو به تقلیل رفته و به فروپاشی آن می‌انجامد.

۴- وابستگی احزاب سیاسی در کشورهای در حال توسعه، همیشه زمینه نفوذ بیگانه را فراهم کرده است. افغانستان طعم تلخ وابستگی احزاب کمونیستی را با تهاجم نظامی شوروی سابق و از دست دادن هزاران انسان بی‌گناه و ویرانی تمام زیربناهای کشور و مهمتر از همه عقب ماندن این کشور از پیشرفت‌های علمی و معنوی جهان را تجربه کرده است. به همین جهت نمایندگان این ملت در تصویب قانون اساسی این کشور این مهم را در نظر داشته و وابستگی احزاب سیاسی این کشور را به حزب سیاسی و منابع خارجی ممنوع دانسته‌اند.

۵- شاید مهمترین بندی که قانونگذار با توجه به درک واقعی از جامعه افغانستان به آن پرداخته است ممنوعیت تأسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب باشد. تاریخ افغانستان، قانونگذاران را به این نتیجه رسانده است که یکی از مهمترین علت‌های عقب ماندگی آن کشور، درگیری‌های قومی، زبانی و مذهبی بوده است. وحدت ملی در هر کشوری از اولویت‌های اساسی آن کشور محسوب می‌شود. مردم افغانستان از جهات متعدد به هم وابستگی دارند. می‌توان، دین اسلام، قانون اساسی و پرچم رسمی را به عنوان پایه‌های وحدت ملی در افغانستان مطرح کرد. از سوی دیگر، وجود اقوام، قباایل و مذاهب متعدد و زبان‌های مختلف در این سرزمین نیز غیر قابل انکار است. بنابراین، چنانچه احزاب با سوء استفاده از این عناوین و آرمان‌های گروهی خود، فعالیت سیاسی انجام دهند، وحدت ملی آسیب پذیر خواهد شد.

صغیر

## آزادی احزاب در اسلام

با توجه به تعریف فوق، حزب به معنای امروزی آن از پدیده‌های سیاسی جوامع دموکراسی به شمار می‌آید، در گذشته، احزاب به شکل و کارکردهایی که در جهان معاصر وجود دارد، وجود نداشته است. اما احزاب به گونه‌های ابتدایی آن و بیشتر در قالب‌های قومی، مذهبی و نژادی آن وجود داشته است.

برخی از صاحب نظران مسلمان، با ادله مختلف که مهمترین آن را تفرقه دانسته‌اند، به مخالفت با حزب پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد، از آنجایی که اسلام دینی است ارزش‌گرا و در تمام امور، مصالح مسلمین را مورد توجه قرار می‌دهد، احزابی را که در راستای منافع جامعه اسلامی تلاش کند، نه تنها حرام ندانسته، بلکه اگر ادعای وجوب و استحباب را نتوان مطرح کرد، لا اقل مباح بودن آن را می‌توان مدعی شد.

روشن است که اسلام مردم را به تعاون در امور نیک و خیر دعوت نموده است. تشکیل شورا و اصل مشورت با دیگران در متون دینی و میان مسلمانان مورد اهتمام بوده است. امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت و نظارت بر رهبری و حکومت، مورد توجه قرار داشته است. امیرالمومنین علی علیه السلام، نصیحت حاکمان را از جمله حقوق آنان بر مردم دانسته‌اند. از سوی دیگر، در اسلام اصل اباحه و اصل حلیت، قواعد عامی هستند که شامل تمام اموری که علم به حرمت آنها نداریم، می‌شود. و شاید بتوان در تشکیل احزاب نیز از آن بهره برد.

## ۴- آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی

از مسائل مهمی که بین مکاتب مختلف در ارتباط با آزادی‌های انسان مورد بحث بوده است، آزادی در عرصه کار، درآمد، میزان درآمد، حق مالکیت فردی و محدوده فعالیت‌های اقتصادی بشر است.

این مبحث را ذیل سه عنوان پی می‌گیریم.

### ۱-۴- مالکیت

اصل مالکیت از گذشته‌های دور مورد احترام بشر بوده است، آنچه مورد اختلاف بوده و امروزه نیز بین مکاتب مختلف مورد نزاع است، تعیین حدود و قلمرو مالکیت اشیاء است. لیبرالیسم و سرمایه‌داری، مالکیت فردی را در اولویت دانسته و در صدد محدودیت مالکیت



اجتماع و دولت برآمده‌اند، در مقابل، سوسیالیسم، به ویژه کمونیسم، مالکیت فردی را در پرتو مالکیت اجتماع و دولت پذیرفته‌اند.

این حق مسلم انسان را قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار داده‌اند، اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده هفدهم تصریح کرده است: «(۱) هر کس منفرداً یا به طور دسته جمعی حق مالکیت دارد. (۲) احدی را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود.» قانون اساسی ملکیت افراد بر اموالشان را مفروض دانسته و تعرض به آن را ممنوع نموده است، ماده چهلیم مقرر می‌دارد: «مالکیت از تعرض مصون است.»

هیچ شخصی از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی‌شود، مگر در حدود احکام قانون.

ملکیت هیچ شخص، بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت، مصادره نمی‌شود.

در فقه اسلامی، قاعده معروف «تسلیط» یا «سلطه» که از روایت مشهور نبوی «إن الناس مسلطون علی أموالهم» گرفته شده است، مالکیت مردم بر اموالشان را مورد تأکید قرار داده است. در روایات دیگری که از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است، تصرف و بهره برداری از اموال دیگران بدون اذن و اجازه آنان ممنوع شده است. از همه مهمتر در روایت دیگری از نبی گرامی اسلام حرمت و احترام اموال مردم، همسنگ حرمت خون آنان محسوب شده است: «وحرمة ماله كحرمة دمه.»

اسلام مالکیت بر هر چیز و به هر طریقی را نپذیرفته است، بلکه مالک شدن را با دو شرط اساسی و عمده محدود و مقید نموده است: ۱- مالی که مالک می‌شود حلال و منفعت عقلایی داشته باشد. ۲- کار و عملی که برای به دست آوردن مال انجام می‌شود، مباح باشد. ماده ۱۵ حقوق بشر اسلامی از جهات متعددی با نظریات اسلام در مسئله مالکیت نزدیک است:

الف) هر انسانی حق مالک شدن از راه‌های شرعی را دارد و می‌تواند از حقوق مالکیت به گونه‌ای که به خود و یا دیگران و یا جامعه ضرر نرساند، برخوردار باشد و نمی‌توان مالکیت را از کسی سلب کرد مگر بنا بر ضرورت حفظ منافع عمومی و در مقابل پرداخت غرامت فوری و عادلانه.

ب) مصادره اموال و ضبط آنها ممنوع است مگر بر طبق شرع.

صغیر

آزادی در قانون اساسی افغانستان و تطبیق آن...

۱۳۹

## ۲-۴- آزادی کسب و پیشه (کار)

جوهره وجودی انسان و حیات مادی و معنوی وی، به کار بستگی دارد. هر انسانی برای ادامه حیات و بهبود زندگی خودش نیاز به کار دارد. کار و آزادی در کسب و پیشه از حقوق اولیه و طبیعی انسان به شمار می‌آید.

قوانین بین‌المللی، آزادی کار را به رسمیت شناخته و کار اجباری را ممنوع دانسته است، اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۳ می‌نویسد: «هر شخصی حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه برگزیند...» در همین راستا ماده هشتم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام داشته است:

«هیچکس را نباید به کار اجباری و انجام عمل تحمیلی وادار نمود.»

قانون اساسی در ماده ۴۸ کار را حق همه اتباع این کشور دانسته، انتخاب شغل و حرفه را در حدود احکام قانون، آزاد می‌داند. ماده ۴۹ مقرر نموده است: «تحمیل کار اجباری ممنوع است. سهم‌گیری فعال در حالت جنگ، آفات و سایر حالاتی که حیات و آسایش عامه را تهدید کند، از وجایب ملی هر افغان می‌باشد. تحمیل کار بر اطفال جواز ندارد.»

ماده مذکور، اتباع افغانستان را در مواردی چون جنگ، بلایای طبیعی و... تکلیف به کار نموده است. این نوع از کار اجباری در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده و نقض حقوق بشر شمرده نمی‌شود. ماده هشتم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، واژه کار تحمیلی و اجباری را شامل موارد زیر نمی‌داند:

۱- هر کار یا خدمتی که معمولاً به فردی که در نتیجه حکم دادگاه تحت بازداشت است و یا به فردی که در حین برخورداری مشروط از این نوع بازداشت، تکلیف می‌گردد.

۲- هر نوع خدمت شخصی نظامی در کشورهایی که موضوع خدمت وظیفه به رسمیت شناخته شده است، هر نوع خدمت ملی مقرر شده که به وسیله قانون خدمت وظیفه پذیرفته شده است.

۳- هر نوع خدمتی که در موارد اضطراری یا بلایایی که زندگی و رفاه جامعه را تهدید می‌کند، مقتضی می‌باشد.

۴- هر کار یا خدمتی که قسمتی از تعهدات (اجتماعی) مدنی را تشکیل دهد.

اعلامیه حقوق بشر در ادامه ماده ۲۳ بهره‌کشی یا استثمار دیگران را نفی نموده، بر حق مساوی افراد در قبال کار مساوی تأکید می‌نماید: «هر شخصی حق دارد... شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در برابر بیکاری حمایت شود.

سفیر

سال سوم / شماره دوازدهم / زمستان ۸۸

۱۴۰

حمایت از بیکاران و تکلیف دولت‌ها برای ایجاد اشتغال از جمله امور مهمی است که قوانین بین‌المللی بر آن تأکید نموده‌اند. این دو مقوله که جایگاه مهمی را در قوانین به خود اختصاص داده‌اند، از نظر قانونگذار اساسی دور مانده است.

دانشمندان اسلامی، آزادی در انتخاب شغل، کسب و کار را از مسلمات دین اسلام دانسته‌اند؛ بنابراین، از اصل آزادی کار و شغل، حرفی به میان نیاورده بلکه شغل‌هایی را که از نظر این دین ممنوع و حرام بوده است، تحت عنوان «مکاسب محرمه» به بحث گرفته‌اند.

### ۳-۴- آزادی اتحادیه یا انجمن‌های صنفی (سندیکا)

کارگران، قشر زحمتکش جامعه انسانی محسوب می‌شوند. حقوق آنان در گذشته به خاطر پراکندگی و ضعف، توسط کارفرمایان نادیده گرفته می‌شد. با رشد آزادی‌های فردی و عمومی، کارگران نیز با گرد آمدن در کنار یکدیگر، برای احقاق حقوق خود و کسب امتیاز بیشتر دست به ایجاد اتحادیه‌های کارگری یا همان سندیکا زدند.

آزادی سندیکایی، مفهومی متمایز از دیگر آزادی‌های گروهی به نظر نمی‌رسد. تمایز اصلی این مقوله با دیگر آزادی‌های گروهی در اهداف و انگیزه‌ی تشکیل آنهاست. در تشکل‌های سیاسی، اجتماعی، هدف اصلی در ابتدا ایجاد قدرت و در نهایت به دست آوردن قدرت سیاسی است، در حالی که هدف اصلی در اتحادیه‌های کارگری گرچه در ابتدا ایجاد قدرت در مقابل قدرت کارفرمایان است ولی در نهایت کسب امتیاز و ارتقاء زندگی شغلی است. به همین جهت، موضوع آزادی سندیکاها مستقل از دیگر آزادی‌های گروهی مورد توجه قوانین بین‌المللی و داخلی قرار گرفته است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۳ به این مسئله تصریح کرده است و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۲۲ این حق را به رسمیت شناخته است.

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ماده ۸ به صورت مفصل‌تر به این مقوله پرداخته است: «دولت‌های عضو این میثاق، متعهد و متضمن می‌گردند که:

الف: هر کس حق تشکیل اتحادیه صنفی و یا با انتخاب خود پیوستن به اتحادیه صنفی را دارد. (تشکیل و یا پیوستن به اتحادیه) به منظور دستیابی و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی فرد است. هیچ محدودیتی جهت اعمال این حق وجود ندارد مگر آنکه (این محدودیت‌ها) در یک جامعه دمکراتیک، برای مصالح و امنیت ملی یا نظم عمومی و یا حفظ حقوق و آزادی‌های افراد دیگر ضرورت داشته باشد و به وسیله قانون صورت گیرد.

ب: اتحادیه‌ها حق دارند که فدراسیون‌ها و یا کنفدراسیون‌های ملی تشکیل دهند و نیز از حق پیوستن به سازمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی برخوردار باشند.

ج: اتحادیه‌ها بدون هیچ محدودیتی حق فعالیت آزاد دارند مگر آنکه (این محدودیت‌ها) به موجب قانون باشد و (وجود آنها) در یک جامعه دموکراتیک و برای مصالح و امنیت ملی یا نظم عمومی و یا حفظ حقوق و آزادی‌های افراد دیگر ضرورت داشته باشد.»

قانون اساسی در ماده ۳۵ این حق را مورد توجه قرار داده و مقرر نموده است: «اتباع افغانستان حق دارند به منظور تامین مقاصد مادی و یامعنوی، مطابق با احکام قانون، جمعیت‌ها تاسیس نمایند.»

قید «مطابق با احکام قانون» در این ماده احتمالا اشاره به استثنایی است که در بند «ج» ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مبنی بر این که سندیکاها هیچ محدودیتی ندارند مگر اینکه این محدودیت‌ها به وسیله قانون برای مصالح و امنیت ملی یا نظم عمومی و یا حفظ حقوق و آزادی‌های افراد دیگر باشد، به آن اشاره شده است. از نظر اسلام، آنچه در آزادی احزاب مورد بحث واقع شد در اینجا نیز قابل استفاده است.

### سخن پایانی

قانونگذار اساسی سعی نموده است در حد توان از اسلام و حقوق بشر به طور همزمان حمایت نماید، از یک سو، قوانین مغایر با اسلام نمی‌تواند در این کشور تصویب شود، و از سوی دیگر، این قانون از حقوق بشر به صورت کلی اعلام حمایت نموده و در مواد متعددی مصادیق آن را طوری برشمرده است که با احکام دین اسلام و فرهنگ دینی مردم تعارض کلی نداشته باشد. آنچه که از همه بیشتر در این قانون بر اهمیت دفاع از حقوق بشر افزوده است، تکلیف دولت به ایجاد کمیسیون مستقل حقوق بشر است (ماده ۵۸) در حالی که برای بررسی اسلامی بودن قوانین مصوب در این کشور نهادی پیش‌بینی نشده است؛ گرچه دو مجلسی بودن قوه مقننه می‌تواند تا حد زیادی این مسوولیت را برعهده داشته باشد.

## پی‌نوشت‌ها:

- ۱- حجرات/۱۲.
- ۲- مستدرک، ج ۹، ص ۱۴۷.
- ۳- نحل/۸۰.
- ۴- ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۳۷۶.
- ۵- همان.
- ۶- حجرات/۹.

بصیر

آزادی در قانون اساسی افغانستان و تطبیق آن...

۱۴۴



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی